



«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ بازخوانی کارنامه اسحاق جهانگیری، کارگردان اقتصادی دولت‌های یازدهم و دوازدهم

# روز حسابرسی

درخواست مرخصی جهانگیری از روحانی برای شرکت در انتخابات!



## دو، هیچ!

ماحصل ۸ سال حاکمیت دولت ائتلافی  
روحانی و اصلاح‌طلبان چه بوده است؟

۲ دولت برای اعتدال و اصلاحات  
هیچ برای مردم

### تیتراهای امروز

یک هفته مانده به زمان اتمام توافق ۳ ماهه ایران و آژانس، گمانه‌زنی‌ها پیرامون تعیین وضعیت این توافق در جریان است

## دوربین‌ها خاموش؟

سخنگوی وزارت امور خارجه:  
قانون هسته‌ای مجلس الزام آور است



مدیریت مهدی‌های کودک پس از سال‌ها چندگانگی به وزارت آموزش و پرورش واگذار شد

## آموزش تخصصی از گهواره

گزارشی درباره تأثیر قانون «اصلاح قانون خرید تضمینی محصولات اساسی کشاورزی» بر اقتصاد

## در مسیر

## خودکفایی کشاورزی

بررسی کامل همه جداول تیم‌های آسیایی برای صعود به جام جهانی

## پسچیده‌تر

## از هر کلافی

### نگاه

## انتخابی که همه صلح‌ها را بر باد داد!

**فرزانه دانایی:** زمانی که کشورهای عرب منطقه به پیشنهاد جرد کوشنر، داماد ترامپ، یک‌به‌یک صف می‌کشیدند تا روابط خود را با رژیم صهیونیستی به سمت عادی‌سازی پیش ببرند، مهم‌ترین دلیل و توجیه برای این کار خود را برقراری صلح و آرامش در منطقه عنوان می‌کردند. آنها بیان می‌کردند با این کار تلاش می‌کنند سران رژیم صهیونیستی را متقاعد کنند دیگر نباید بیش از این دست‌اندازی به سرزمین‌های فلسطینی داشته باشند و باید راه‌حل ۲ دولتی را بپذیرند و در نهایت شرایط را به نفع آماده می‌کردند که بتوانند محاصره غزه را نیز برانند. اسلارت و بحرین و رژیم صهیونیستی ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۰ پیمان آبراهام را امضا کردند و پس از آن، ترامپ عنوان کرد: «بعد از دهه‌ها اختلاف و درگیری، ما طلوع خاورمیانه جدید را رقم خواهیم زد. این توافق‌ها سنگ بنایی برای صلح جامع در سراسر منطقه خواهد بود».

با وجود این، تنها پس از گذشت ۸ ماه از زمانی که این توافق به امضا رسید، طلوع جدید خاورمیانه با طلوع اکت‌های حماس از غزه و حملات هوایی اسرائیل به این منطقه همراه شد. طلوع دیگر اما در داخل سرزمین‌های اشغالی و از دروازه دمشق اتفاق افتاد؛ جایی که صهیونیست‌های تندرو، جوانان فلسطینی را به هیچ بهانه‌ای مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند و در محله «شیخ جراح» در قدس شرقی مردم را از خانه‌های‌شان بیرون می‌کردند. درگیری‌های اخیر و احتمال شکل گرفتن جنگی تمام‌عیار بین حماس و اسرائیل چشم‌انداز صلح را بیش از پیش دور از دسترس قرار داده است. این درگیری‌ها همان درگیری‌های خونینی است که در طول تاریخ اشغالگری، وجود داشته است. شاید پیمان آبراهام از نظر آمریکایی‌ها دروازه‌ای رو به صلح بود اما در نهایت نه درنده فلسطین و نه در دیگر مناطق غرب آسیا مانند سوریه و لیبی و یمن نتوانست صلحی به وجود آورد.

میراث ترامپ برای منطقه ظاهراً فراتر از خسارتی است که تا پیش از این تصور می‌شده است. بر اساس گزارش واشنگتن‌پست، از زمانی که او در کاخ سفید مستقر شد، ۹۲۰ خانه در کرانه باختری برای صهیونیست‌ها ساخته شد و واشنگتن نیز هیچ اعتراضی به این مسأله نکرد. ترامپ در عین حال سیاست حمایتی شدیدتری را انتخاب کرد و جدایی جولان از سوریه را نیز به رسمیت شناخت تا راه برای بازگرداندن آن به این سرزمین را بسیار پیچیده‌تر از قبل کند.

بعدها اینکه یابین بر سر کار آمد، نتایج‌هاو تلاش می‌کرد کارهای خود را بیشتر از قبل قانونی نشان دهد و سعی کرد مسأله خانه‌های مردم در منطقه «شیخ جراح» را به اختلافی ملکی تبدیل کند که... ادامه در صفحه ۶

### یادداشت



**روح‌الله اژدری:** با پایان یافتن مهلت ثبت‌نام داوطلبان انتخابات ریاست‌جمهوری و بررسی دیدگاه‌های مختلف کاندیداهای جریان انقلابی، خوبی می‌توان نقاط مشترک اروپا و آمریکا و محکم کردن کمربند مذاکره با کدخدا تبدیل به برجام نافر جامی شد که با یک خط خطی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا فروریخت و ملت ماند و تحریم و فساد و تورم افسارگسیخته‌ای که اقتصاد ایران را از آن درهای که مدعی بودند، به درهای عمیق‌تر فرو برد. فساد حتی برادر رئیس‌جمهور و برادر معاون اول و دختر وزیر را به زندان انداخت. دلار ۴۲۰۰ تومانی مشهور به جهانگیری، منفعت‌طلبان طبقات بالای حاکمی دولت را به چنان ثروت فاقه‌زاده‌های رساند که می‌توانند سرتاسر سال‌ها بارانه ملت فقیرتر شده ایران را بپردازند. جالب است بدانیم ۵۰۰ میلیون اختلاس از بابت ساخت سد که در دولت رفسنجانی نادیده گرفته می‌شد، به فقط در یک نمونه ۱۵ هزار میلیارد تومان از صندوق ذخیره فرهنگیان که همیشه پیشرو حمایت از اصلاحات بوده‌اند، در دولت لیبرال روحانی رسید. در نهایت بی‌عملی‌ها، بی‌تدبیری‌ها و خیانت‌ها در دولت مستقر در طول این ۸ سال زمینه‌ساز بیکاری، گرانی و سختی معیشت، افزایش فاصله طبقاتی، فقیرتر شدن طبقات متوسط به پایین جامعه و شکل‌گیری ناراضی‌هاست. در حالی که در حوزه قدرت و مدیریت رئیس‌جمهور مطالبه بحق مردم برای تغییر و تحول خواهی در شیشه حکمرانی در کشور شد. از بعد ایجابی، تولید این‌گفتمان در افکار عمومی مدیون افراد انقلابی و منتقدان دولت ناکارآمد و صداوسیما جمهوری اسلامی است. به طور قطع مردم در فشار و مشقت ناشی از بی‌عملی و بی‌تدبیری پشت‌میزنشینان خواهان تحول در مدیریت کشور برای تغییر ساختارهای معیوب هستند که در حوزه قدرت و مدیریت رئیس‌جمهور قرار دارد، لذا جریان انقلابی که از قبل هم با نوع مدیریت و اهداف دولت زاویه داشته و رویه دولت را به نقد می‌کشید، اکنون بخوبی گفتمان مردمی را درک کرده و در صدد است این گفتمان را نمایندگی کند.

این در مرام لیبرال‌ها نبود. بی‌عملی و مدیریت پشت‌میزنشینی و در دوران کرونا مدیریت مجازی، تولید فساد به شکل گسترده، تبارگرایی و فامیل‌بازی، غفلت از جوانان با تشکیل دولت پیرمرمان، غفلت از محرومان و حمایت از ثروتمندان و در نهایت تحقیر و حذف نگاه به ظرفیت‌های درونی، حذف سایر کمربند مذاکره با کدخدا و اروپا و آمریکا و محکم کردن کمربند مذاکره با کدخدا تبدیل به برجام نافر جامی شد که با یک خط خطی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا فروریخت و ملت ماند و تحریم و فساد و تورم افسارگسیخته‌ای که اقتصاد ایران را از آن درهای که مدعی بودند، به درهای عمیق‌تر فرو برد. فساد حتی برادر رئیس‌جمهور و برادر معاون اول و دختر وزیر را به زندان انداخت. دلار ۴۲۰۰ تومانی مشهور به جهانگیری، منفعت‌طلبان طبقات بالای حاکمی دولت را به چنان ثروت فاقه‌زاده‌های رساند که می‌توانند سرتاسر سال‌ها بارانه ملت فقیرتر شده ایران را بپردازند. جالب است بدانیم ۵۰۰ میلیون اختلاس از بابت ساخت سد که در دولت رفسنجانی نادیده گرفته می‌شد، به فقط در یک نمونه ۱۵ هزار میلیارد تومان از صندوق ذخیره فرهنگیان که همیشه پیشرو حمایت از اصلاحات بوده‌اند، در دولت لیبرال روحانی رسید. در نهایت بی‌عملی‌ها، بی‌تدبیری‌ها و خیانت‌ها در دولت مستقر در طول این ۸ سال زمینه‌ساز بیکاری، گرانی و سختی معیشت، افزایش فاصله طبقاتی، فقیرتر شدن طبقات متوسط به پایین جامعه و شکل‌گیری ناراضی‌هاست. در حالی که در حوزه قدرت و مدیریت رئیس‌جمهور مطالبه بحق مردم برای تغییر و تحول خواهی در شیشه حکمرانی در کشور شد. از بعد ایجابی، تولید این‌گفتمان در افکار عمومی مدیون افراد انقلابی و منتقدان دولت ناکارآمد و صداوسیما جمهوری اسلامی است. به طور قطع مردم در فشار و مشقت ناشی از بی‌عملی و بی‌تدبیری پشت‌میزنشینان خواهان تحول در مدیریت کشور برای تغییر ساختارهای معیوب هستند که در حوزه قدرت و مدیریت رئیس‌جمهور قرار دارد، لذا جریان انقلابی که از قبل هم با نوع مدیریت و اهداف دولت زاویه داشته و رویه دولت را به نقد می‌کشید، اکنون بخوبی گفتمان مردمی را درک کرده و در صدد است این گفتمان را نمایندگی کند.

تألیز ادبیات گفتاری و بیانیتهای داوطلبان منتسب به جریان خودی بخوبی مبین این حقیقت است که همه آنها در گفتمان مشترک بوده و اهداف یکسانی را دنبال می‌کنند. بنابراین این هدف و زبان مشترک زمینه لازم را برای یک اجماع فراهم می‌کند که همه شخصیت‌های انقلابی را در نهایت به‌ایثار و عمل انقلابی به نفع کسی از جمع که سرمایه اجتماعی قوی‌تری دارد، ترغیب کند.

در این مقطع اکثریت طبقه متوسط مردم که به دلیل ناکارآمدی دولت و اجرای سیاست‌های لیبرالی فقیرتر شده‌اند، از دولت و جریان اصلاحات و مذاکره‌گرا سرخورده‌اند. جریان اقتصادی سالم جامعه که از عناصر اصلی تولید اشتغال و حرکت اقتصادی کشور هستند، در چنگال اختاپوسی بانک‌ها گرفتار آمده و اموال‌شان به نفع بانک‌ها توقیف شده بود که الحمدلله با حرکت انقلابی حجت‌الاسلام رئیسی در قوه قضائیه از کار آنان گره‌گشایی شد. جریان مذهبی نیز مانند همیشه در آرزوی تحقق شعارهای اصولی انقلاب مانند عدالت، استقلال، عزت ملی، حاکمیت اصول اسلامی در تمام شئون جامعه البته بدون دیوار کوشی‌ها و رفتارهای غیرعقلانی که غیرمنصفانه از ناحیه روشنفکران و بعضی قدرت‌طلبان دوست‌نما بدان متهم شده‌اند، هستند. جریان انقلابی با نگاه مکتب سلیمانی به جامعه می‌نگرد و شهروندان را به مذهبی، غیرمذهبی، با حجاب و بی‌حجاب و فقیر و غنی تقسیم نمی‌کند. همان‌طور که در مکتب سلیمانی سایه‌امینت‌برای همه ایرانیان است، حتی برای همان مخالفی که سلیمانی را قبول ندارد، باید این تزویر دشمنان در عرصه انتخابات با شعار و عمل ایران برای همه ایرانیان در سایه انقلاب اسلامی، خنثی شود. به نظر نگارنده هم طبقه متوسط جامعه که امروز به دلیل سیاست‌های لیبرالی دولت روحانی فقیرتر شده‌اند، هم جریان اقتصادی سالم که از بی‌ثباتی و بی‌عملی کارگزاران دولتی منضر شده‌اند و هم جریان انقلابی و مذهبی، باید گفتمان مشترکی را دنبال کنند که در مرکزیت این گفتمان عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، مبارزه با فقر،

اصلاح ساختارهای غلط و غیراسلامی و لیبرال وجود دارد. جریان انقلابی باید ابتدا با تحکیم گفتمان در قالب ارائه برنامه مدون و اغنای مردم و کسب اعتماد و سپس با وحدت‌گرایی و ایثارگری کاندیداها، راه را برای اجماعی فراگیر فراهم کند. جریان انقلابی باید با معرفی کاندیدای اجماعی با قابلیت‌هایی همچون کارآمدی انقلابی، تقوای عملی و معنوی، اعتقاد عمیق به ظرفیت‌های داخلی، ولایت‌مداری مومنانه و نه منافقانه، تپ شخصیتی درخور شأن رای مردم، ایران، صداقت، خوش‌سخنی، تواضع و یکرنگی با مردم، دارای روحیه جهادی و خستگی‌ناپذیر و در نهایت سابقه قابل قبول و کارآمد، زمینه اقبال عمومی مردم را فراهم کند. پرواضح است ائتلاف جبهه روشنفکران و غریب‌انگ، منفعت‌طلبان طبقات بالای جامعه و آلوده به فساد اقتصادی، اپوزیسیون ضدانقلاب خارج کشور و رسانه‌های مزدور ملکه و بن‌سلمان و مزدوران داخلی آنان در تلاش خواهند بود از تحقق چنین دولتی به هر شکل ممکن جلوگیری کنند. آنچه تعجب‌همگان را برانگیخته، این است که مسیبان وضع فعلی که مورد تنفر ملت هستند، دوباره با پروویسی بسیار مشتاقانه قدم در راه رسیدن یا ماندن در پاستور نهاده‌اند. جالب است کارگزاران دولت ناکارآمد بیش از سایرین مشتاق ماندن در پاستور هستند. افرادی چون جهانگیری که در قامت کسی حمایت خواهند کرد که خود را در قامت یک نماینده گفتمان مردم قلمداد کنند. سیاستمدارانی که اخلاق را در عرصه سیاست گوش‌تا گوش به کشتار گاه می‌برند و هیچ ابایی از دروغ‌گویی، تهمت و اغواگری ندارند، با محاسبه خطای راهبردی جریان انقلابی باز قدم در میدان رقابت انتخاباتی نهاده‌اند. این جماعت اگر خود موفقیتی به دست نیاورند، قطعاً از کسی حمایت خواهند کرد که خود را در قامت یک انقلابی قلابی و اصلاح‌طلب ناجی معرفی خواهد کرد. لشکر دولت ناکارآمد در تلاش برای تخطئه گفتمان انقلابی و دفاع از وضع موجود و فراقفتی مشکلات به میدان آمده است و جریان اصلاح‌طلب هم به دلیل

شراکت در عملکرد دولت اگر رسیدن به پاستور را ناممکن بباید - که این احتمال به یقین نزدیک است - تلاش خواهد کرد رحم اجاره‌ای دیگری را برای خود بسازد و از لاریجانی حمایت کند، لذا ۲ آسیب جدی در مسیر حرکت گفتمان انقلابی وجود دارد؛ اول گرفتار شدن در تله دوقطبی که رقیب در تلاش برای ایجاد آن است. تجربه راهبرد دوقطبی‌سازی در انتخابات ۹۲ با سرهنگ و حقوقدان، این بار در صحنه ثبت‌نام کاندیداها از زبسان لاریجانی با واژه دادگاه و پادگان دنبال شد. در رفتار رسانه‌های اصلاح‌طلب نیز به شکل چشمگیری مشهود است برای جلو بردن انتخابات و مدیریت افکار عمومی به یک دوقطبی هیچانی می‌اندیشند، چرا که با حاکمیت عقلانیت بر عرصه انتخابات، آنها برنده میدان رقابت خواهند بود. آسیب جدی دوم برای جریان انقلابی افتادن در تله خودتخریبی و رقابت درون‌جریانی است؛ خطایی که تجربه تلخ آن وجود دارد و جریان غربگرا بسیار بدان چشم دوخته است و اگر از درون جبهه انقلاب این آسیب درمان نشود، قطعاً لشکر عملیات روانی غربگرایان برای ایجاد شکاف آمادگی دارند. لذا خودآگاهی جریان انقلاب به این آسیب‌ها بسیار ضروری است. کاندیداهای انقلابی باید با تقوای سیاسی و بصیرت انقلابی و تقویت روحیه ایثارگری و تفاسیت سرکش، خود را به هیچ‌وجه رقیب برادران مومن انقلابی با گفتمان مشترک ندانند و همدیگر را تخریب نکنند، بلکه خود را رقیب فقر، فساد، تبعیض، بی‌عدالتی و بی‌عملی و بی‌تدبیری‌ها و انحرافات بدانند. این بالاترین شرافت برای یک انقلابی است و مزد با خداوند است و عزت افراد به کسب مقام و منصب نیست و خداوند معز مطلق بندگان است. فرصت تبلیغات انتخاباتی، فرصت تبیین گفتمان و اقتناع مردم تا روزهای پایانی توسط عزیزانی است که با یک هدف رسیده‌اند به اجماع در روزهای پایانی معتنم شمرند و در نهایت با عزت و شرافت و ایثارگری در منظر ملت به مقبول‌ترین و پرمسأله‌ترین کاندیدا لبیک گفت.